

طرح ارتش شاهنشاهی برای رویارویی با اغتشاش و تأمین امنیت تهران

پاسخ ارتشبد جم به یک پرسش مهم تاریخی

از شماره ششم فصلنامه تاریخ معاصر ایران بخشی را با عنوان «نگاهی دیگر» فراروی فرهیختگان مطالعات تاریخی گشودیم که خوشبختانه با استقبال خوانندگان روبه‌رو شد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد بهره‌وری از برخی مقالات مندرج در مطبوعات منتشره در خارج از کشور که موجب ارتقاء آگاهی‌های علاقه‌مندان حوزه مطالعات تاریخ معاصر می‌شود، سودمند است. بار دیگر یادآوری این نکته ضروری است که نقل این‌گونه مقالات به مفهوم پذیرش و یا تأیید مندرجات و مواضع نویسندگان آن یا نشریاتی که این قبیل مطالب در آن درج شده است، نیست. آنچه در این شماره از نگاه تیزبین و نکته‌سنج خوانندگان عزیز می‌گذرد، پاسخ ارتشبد جم به یک پرسش مهم تاریخی درباره واکنش ارتش شاهنشاهی در برابر اغتشاشات شهری است که در فصلنامه ره‌آورد، شماره ۲۰ و ۲۱، تابستان و پاییز ۱۳۶۷ درج شده است.

البته جم روشن نمی‌کند که چگونه تدوین طرح مقابله با اغتشاش و شورش شهری در پی رویداد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مورد توجه بلندپایگان حاکمیت پهلوی قرار گرفت و همچنین پاسخ وی روشنگر آن نیست که بالاخره چنین «ارتش شاهنشاهی نیرومندی» چگونه در بهمن ۱۳۵۷ به خدمت مردم درآمد. در هر صورت این پرسش ضرورت تأمل و تعمق بیشتر در چم و خم تاریخ سیاسی-نظامی ما را افزونتر می‌سازد.

ارتشبد فریدون جم، فرزند محمود جم به سال ۱۲۹۳ متولد شد. وی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ ریاست ستاد ارتش را عهده‌دار بود. جم در سال ۱۳۵۷ پیشنهاد شاپور بختیار مبنی بر پذیرش پست وزارت دفاع را رد کرد. اینک اظهارات وی را با یکدیگر مرور می‌کنیم:

□ □ □

از من خواسته‌اند این پرسش را پاسخ دهم که چرا در ارتش شاهنشاهی ایران هیچ‌گونه پیش‌بینی برای مقابله با اغتشاشات و بی‌نظمیهای شهری و منطقه‌ای نشده بود

و چرا چنین ارتش نیرومندی چنین آسان از پای درآمد؟

نخست باید با صراحت یادآور شوم که این ادعا صحیح نیست و این شایعه که همه جا بر سر زبانهاست، به کلی بی اساس است. تمام یگانها و پادگانهای ارتش دارای طرحهای ضد اغتشاش بودند که به تصویب نیروی زمینی می رسید. از جمله برای تهران در سال ۱۳۴۱ خورشیدی (یا ۱۳۴۲) که فرمانده دانشکده افسری بودم روزی به دفتر ویژه اطلاعات احضار شدم. کمیونی در حضور تیمسار حسین فردوست رئیس آن سازمان، مرکب از شهربانی، ژاندارمری، نمایندگان ادارات دوم ستاد بزرگ ارتشداران، رکن دوم نیروی زمینی و سازمان اطلاعات و امنیت کشور تشکیل بود. وقتی وارد شدم تیمسار فردوست گفتند اعلیحضرت همایونی امر فرموده اند دورهم جمع شوید و طرحی برای امنیت تهران تهیه کنید که بعداً مدلل واقع شود و به نقاط دیگر تعمیم داده شود. از بین حاضران علاوه بر فردوست، تیمسار [محسن] مبصر که ریاست شهربانی را عهده دار بودند حضور داشتند. اسامی دیگران بخاطر من نیست. تیمسار فردوست به علاوه ابلاغ کردند که اعلیحضرت فرموده اند فریدون جم را هم از دانشکده افسری دعوت کنید.

در آن جلسه مذاکرات مفصلی صورت گرفت. از جمله توافق گردید که روش کار باید عبارت باشد از تهیه لیست مخالفان بالقوه، در نظر گرفتن نحوه و دامنه اغتشاشات ممکنه، ایجاد سازمانی که به طور دائم مراقب اوضاع باشد و در صورت بروز اغتشاشات به موجب طرحهایی که باید تهیه شود کنترل را عهده دار گردد و نظم را اعاده و حفظ نماید. مدارک آموزش لازم تهیه شود که دکترین و شیوه های کار را روشن کند. دستورالعملی تهیه شود که تکالیف کلی و جزئی هر یک از سازمانها و طرز کار را معین کند و سپس برنامه های آموزشی یگانهای مختلف شهربانی، ارتش و ژاندارمری را منظم نماید و تجهیزات و وسایلی را که موجود نیست فراهم سازد. در همان جلسه قرار شد کمیسیون اجرایی زیر نظر و به ریاست خود من باشد. من به ویژه لزوم همکاری نزدیک تیمسار علی کریملو از ستاد ارتش و تیمسار مبصر را از شهربانی خواستار شدم و وارد مرحله اجرایی گردیدیم. طرحی که تهیه شد عبارت از این بود که مراحل زیر در نظر گرفته شود:

۱. وضعیت عادی
۲. وضعیت غیرعادی
۳. وضعیت فوق العاده
۴. وضعیت بحرانی

در وضعیت عادی شهربانی راساً مسئولیت نظم و انتظامات را عهده دار باشد. متاهی قرارگاه کوچکی از ارتش معین شود که اوضاع را تعقیب نموده برای شهربانی مشاور



ارتشید فریدون جم به اتفاق دو نفر از فرماندهان عالی رتبه ارتش | ۱۳۵-۱۱۳-ج

باشد. نیروهای پیش بینی شده را برای شرکت در حفظ انتظامات زیر نظر داشته و به آموزشهای ضد اغتشاش آنان نظارت کند، تمرینهای مختبراتی و پایگاه فرماندهی در فاصله‌های معین انجام دهد و تکمیل لوازم و وسایل را زیر نظر بگیرد.

در وضعیت غیرعادی، باز شهربانی عهده‌دار امور بوده، در صورت لزوم بایگانهایی از ژاندارمری تقویت شود، فرمانده نظامی به نیروهای اختصاص داده خود آماده باش بدهد.

در وضعیت فوق العاده، باز شهربانی عهده‌دار امور باشد ولی قرارگاه امنیت ارتش با شهربانی توأم گردد و یگانهایی از ارتش در اختیار شهربانی گذارده شود و کاربرد آنها مشترکاً بین شهربانی و قرارگاه امنیت ارتش کنترل شود. ضمناً قرارگاه ارتش آماده شود که در صورت توسعه بی‌نظمی‌ها حکومت نظامی را (به‌وسیله دولت) اعلام نموده و شهربانی و ژاندارمری را زیر امر بگیرد.

برای تهیه مدارک آموزشی، مدارک کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا و اتحاد شوروی خواسته شد. مدارکی که به زبان فرانسه یا انگلیسی بود احتیاج به ترجمه نداشت ولی مدارک روسی را دادیم سرهنگی که در دانشگاه جنگ خدمت می‌کرد و روسی خیلی خوب می‌دانست و نامش گویا بهمن بود ترجمه کند. با مطالعه آیین‌نامه‌ها مشاهده شد که اصول کار در همه جا یکی است، با اختلافات جزئی. چون تمام آیین‌نامه‌ها و مدارک ارتش مبتنی بر سیستم آمریکایی بود.

آیین‌نامه ضد‌اغتشاشات آمریکا برگزیده شد و من آن را به سرتیپ مقدم دادم که ترجمه کند و بعضی نکات را که مناسب تشخیص دادیم از آیین‌نامه‌های مشابه فرانسه و انگلستان وارد آن کند. این کار به سرعت پیشرفت کرد و خود من نوشتن دستورالعمل کلی را عهده‌دار شدم. این دستورالعمل نوشته شد و ضمیمه آن، لیست مخالفین، نقاط آسیب‌پذیر شهر، برآورد حجم اغتشاشات در هر نقطه و طرحهای مختلف برای نقاط مختلف از جمله دانشگاه تهران، میدان بهارستان، میدان فوزیه، منطقه شهربانی، وزارت امور خارجه، جلوزارت جنگ، ستاد ارتش، حضرت عبدالعظیم، نارمک، تهران پارس، رادیو و تلویزیون، تهران‌نو تهیه گردید و مشخص گردید که قوای تقویت شده شهربانی چه کند؟ و نیروهای ارتش در کجا متمرکز شود؟ چگونه وارد عمل شود؟ جمعیت را چگونه متفرق سازد؟ به کجا براند؟ در چه شرایطی تیراندازی هوایی کند؟ چه موقع مجاز به گشودن آتش گردد؟ و به دستور چه مقامی؟ و سایر نکات که مفصلاً در آیین‌نامه بیان شده است.

برای تهران علاوه بر قرارگاه تخصصی شهربانی پیش بینی گردید که یک نفر از امرای ارتش تحت عنوان فرمانده تأمین تهران برگزیده شود و تیمسار سرلشگر عمیدی به این

مقام منصوب گردید و قرار شد ستادی در اختیار داشته باشد و به طور دائم با تماس با شهربانی و ساواک اوضاع را زیر نظر بگیرد و تمرینهای لازم را اجرا نماید.

در خلال تهیه دستورالعمل و طرحها، آیین نامه حاضر گردید و من ترجمه تیمسار مقدم را مرور کردم و فرامین، صورت بندیها و اصطلاحات آن را مطابق اصطلاحات نظامی متداول ایران نمودم.

وقتی همه مدارک تهیه شد پرونده مربوطه شامل: دستورالعمل، آیین نامه، پیوستهای دستورالعمل (طرحهای مختلف) بود که همراه ارتشد [عبدالحسین] حجازی بردم و به تصویب اعلیحضرت رسانیدم.

نام اولین فرمانده به خاطر من نیست ولی بعداً تیمسار [جعفر] شفتت و بعداً تیمسار [عباس] قره باغی به نوبه عهده دار این امر شدند.

برنامه های آموزشی در تمام یگانهای ارتش و شهربانی و ژاندارمری آغاز گردید. تیمسار مبصر گارد مجهز شهربانی را ایجاد کرد که یگان با ارزش و بسیار مفیدی بود. طرحها بطور مرتب اجرا می شد و تمرینها صورت می گرفت و خود من که در این فاصله جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران شده بودم آن را نظارت می کردم.

روزی اطلاع حاصل شد که می خواهند لشکر مرکز را که یگانه یگان ارتش و پادگان مرکز بود و تمام طرحها براساس شرکت آن تهیه گردیده بود به گارد شاهنشاهی منتقل کنند. من به حضور اعلیحضرت شرفیاب شده گفتم این کار صحیح نیست زیرا:

۱. تنها یگان در اختیار فرمانده تأمین تهران همین لشکر است.
۲. اگر این لشکر به گارد منتقل شود از اختیار ستاد بزرگ ارتشتاران و ستاد نیروی زمینی خارج می شود و هیچ کنترلی روی آن وجود نخواهد داشت. (گارد مستقیماً زیر امر مستقیم اعلیحضرت بود).
۳. اگر ضرورت دخالت یگانهایی از لشکر را در اغتشاشات اجتناب ناپذیر سازد نباید مستقیماً اعلیحضرت علیه مردم موضع بگیرند و گارد خود را به کار برند.
۴. فرمانده تأمین تهران دیگر نمی تواند وظایف پیش بینی شده را انجام دهد. معذالک هیچکدام از نظرات پذیرفته نشد! لشکر مرکز به گارد منتقل گردید. فرمانده تأمین تهران اجباراً فعالیتهای خود را متوقف کرد که بعداً فرمانده گارد آن وظایف را انجام دهد؟! ستاد بزرگ ارتشتاران و نیروی زمینی خود را کنار کشیدند.

همه خیال کردند همه چیز در بهترین دنیاها در بهترین وضع است.

بعداً خود من هم به سفارت شاهنشاهی ایران در مادرید فرستاده شدم و دیگر خبری از اوضاع نیروهای مسلح نداشتم تا هنگامی که اغتشاشات در تهران و نقاط دیگر شروع شد. در تلویزیون دیدم نه سازمان رهبری وجود دارد و نه مطابق طرحها و آیین نامه ها و

ترتیباتی که برای چنین روزهایی تهیه شده بود عمل می‌شود و با کمال تأسف تمام اصول مندرج در آیین‌نامه‌ها زیرپا گذارده می‌شود. نتیجه را هم همه می‌دانند. اما تمام یگانهای ارتش ملزم بودند که طرح ضد اغتشاش داشته باشند و اگر دستور اجرا به هیچکدام داده نشده باشد مساله دیگری است. دستور اجرا را باید دولت به فرماندهان نظامی می‌داد و چون در ارتش کوچکترین اشتباهات به سخت‌ترین تنبیهات منجر می‌گردید بین افسران مد شده بود که کار از نکردن عیب نمی‌کند! متأسفانه این شده بود طرز تفکر فرماندهان نظامی چنین دستگاهی بدون رهبری چه کار باید می‌کرد و چه انتظاری از آن می‌توان داشت؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی